

## اقتفاء از رسول پویان

### به زبان ساده شعر

قرن هاست حال خراسان ما زاروبرهم است  
تا نام او شد افغان ستان نا منظم است  
تاریخ شاهد کشمکش و برادر کشیست  
کشتن و کور کردن بین برادر هر دم است  
از افغان ستان دیدیم افغان و آه و ناله  
تبعات الصلح خیر = عفو و رضاء بسیار کم است  
جنگ و قتل، چور و غصب، خاصه درسه ده آخر  
شرحه کردن سینه ها جایگیر مر هم است  
نیست طالب علم، بلکه طلبگار خون و دود  
عضوء تکفیری و سلفی، خالق درد و غم است  
پادشاه ما شده پنهانی عضوء این گروه  
نیست پایند ملک، در خدمت او دمام است  
بیابید فکری بحال مادر وطن کنیم  
شام و سحر مارا هموار بساط ماتم است  
از خواست مردم و ملت برآمده بیرون  
با دشمن وطن بنشسته در یک گیلیم است  
فکر عمیق به حال پدر وطن شد ضرور

راحت فرزند حرام، پدر در گیر غم است  
ما ملت گوسفندی ، چوپان شد شریک گرگ  
برادر گویی به دشمن صریحاً ستم است  
قانون می طلبد تعدیل و تجدید نظر  
قدرت، بیهوده در دست یک نفر جم است  
خواست کل یکسو و تصمیم وی گشته جدا  
به خدا دکتاتور است که عدل او مبهم است  
از خلاء قانون خود سری گشته مسلم  
نی وفایی به عهد و نی ایمان به قسم است  
هوشیار باید بود در انتخابات پیش رو  
هرکه آید ، باز همان دکتاتوری پیهم است  
دموکراسی راستین صدق میخواهد در عمل  
آزادی بیان فقط شعاری روی هم است  
نیست تصادفی، که ما را داده است به طالب  
این ظلم جاری، سازمان یافته و منظم است  
تنکیر و خودفریبی و ساده لوحی بس است  
این ماده گرگ، در عمل کجا از پلنگ کم است  
**مصیبت کثر است آورده خون را به جوش**  
**در رگ وطن، چون دریا و توفان و یم است**

2014 /02/27 م.ش.فروغ کابل

تتکیر = مجهول سازی، خودفربیی، نوعی از اغماض و ناشناخت اندازی  
جم = جمع که در گویش جم گفته میشود " جم غفیر " و هم نام یک صاحب  
قدرت و پادشاه مطلق العنان و خود بین و خود خواه است در  
جغرافیای تاریخی زیست ما .

یادداشت :- جدا نویسی افغانستان (افغان ستان ) کنایه نگارشی است به در اندازی  
شراندازی، دویی پسندی , بیرون شدن ها از افزار ملت سازی و  
وحدت آوری و توحید اقوام و . . . که حاکمیت دکتاتوری به خاطر  
بقاء، تداوم و تسلسل قدرت آنرا مرتکب میشود